



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۶/۱۴



دوديال

هنر، زیبایی و رموزات هنر و زیبایی

مقدمه

موضوع این مقاله عمدتاً در مورد هنر است، ولی مفهوم زیبایی خود بخود وابسته به آن است. متأسفانه در افغانستان درین اواخر بنا بر عواملی؛ ذوق، تخلیق مبتکرانه و احساس هنری ساکت و ذوق عامه غرق ابتذال شده است. این عوامل: رکود مراکز هنری، ممانعت از فعالیت‌های هنری، عدم دوام ریاضت هنرمندان در آموزش، تمرین، نبود مطالعه و عدم تعهد به پیام آثار هنری و کم توجهی به صیقل نمودن تخلیقات شان است. عوامل دیگری مانند عدم حمایت مالی، نبود استادان و مربیان ورزیده، عدم تشویق و پرورش استعداد هنری و تااندازه ی عوامل فرعی شاید همه گیر شدن فقر و پریشانی اجتماعی باشد، در نتیجه تقلید و ابتذال باعث مایوسی هنردوستان و بالاخره تمام جامعه میگردد. هنر جداً وابسته به فهم زیبایی و زیبایی شناسی است. درینجا مختصراً تأثیرات زیبایی و هنر را در تلطیف عواطف و محو خشونت و تعصبات مرور خواهیم کرد، اما نخست؛ سقوط ذوق و درک عوامل آن باچند مثال:

سقوط ذوق هنری

زیبایی شناسی یکی از بحث‌های بسیار پیچیده است که با ذوق هنری وابستگی دارد. این بحث بر علاوه ساحات ادبیات، معماری، سینما، خطاطی و موسیقی در فلسفه نیز مطرح است. حتا **esthetic** و شناخت آن در نظریات گوناگون فلسفی و تاریخ تفکر فلسفی وجود دارد. تکوین احساس زیبایی منحیث یک پدیده ی اجتماعی از زمانهای ارسطو، افلاتون، اپیکور (روم باستان) تا قرون وسطا و بالاخره تا امروز دوام دارد. اگر از دوران روم باستان بگذریم؛ در شروع قرون وسطا عرفای آن دوران می گفتند که زیبایی برای انسان نقش بازگرداننده به اصل او را دارد!

هم درک و شناخت زیبایی طبیعی و هم زیبایی هنری شامل زیبایی شناسی اند. زیبایی طبیعی از مناظر طبیعی تا نغمه های پرنده ها و حتا نسیم و صریر و رنگهای گلها تا یافتن حقیقت و شناخت واقعیت همه زیبایی اند.

اما زیبایی هنری ایجاد، تخلیق، ابتکار و انعکاس زیبایی طبیعت در آثار هنری اند که نوازنده، پرورش دهنده، صیقل و تلطیف کننده روح بوده و پدیده ی محسوس است. زیبایی هنری باوجودیکه مشتمل عناصر مانند رنگها، سمبولها، تشبیهات، تغزل، ایجاز، وزن و سایر اوصاف و ایماژها چیزی پنهان نیست، اما دانستن آن به دقت بیشتر ضرورت دارد. عرفای اسلام زیبایی هنری را (طبع جمال) نامیدند و مشاهده ی انرا ادراک و بخشی از رازهای معنوی میدانند (مبنای ذهنی دارد). از دید فلسفه ی ماتریالیستی، زیبایی را ایجاد خلاقانه به اثر تلاش و آموزش و الهام از طبیعت و وابسته به عنصر ذهنی و دارای مبنای عینی میدانند. زیبایی هنری، انعکاس ذوق، توصیف و قدرت خلاقانه هنرمند در آفرینش اثر هنری است. حواس ما این زیبایی را درک میکند، برای ما لذتبخش است، سبب انکشاف تخیل و علاقه ی بیشتر به زنده گی و محیط زیست میشود.

اما هنر:

هنر (art) عبارت از مجموعه ی از فعالیت‌های مبتکرانه هنرمند در تخلیق آثاری اند که به منظور انتقال معانی و مفاهیم معین ایجاد و بالای عواطف و احساسات موثر واقع گردد. تربیت اخلاقی یکی از اهداف هنر است. هر قدر ابداعات هنری زیبا تر باشد، به همان اندازه بالای عواطف و احساسات تأثیر بیشتر خواهند داشت. امروز نقاشی، خطاطی، طرحهای گرافیکی، معماری، موسیقی، شعر، تیاتر، سینما تماماً تخلیقات هنری شمرده میشوند. یکی از شگفتی های ذهن آدمی این است که هنر تطبیق نمودن معرفت نظری بالای عمل گردد. این صفت و درجه موثر بودن مربوط به آن میباشد که آیا زیبایی اثر هنری تا چه حد است.

ایجاد آثار بکر- زیبا و خوب هنری باعث ارتقای ذوق مردم و تلطیف عواطف میگردد. متأسفانه ازین بابت ما دچار رکود میباشیم. همین اکنون نقاشی و خطاطی به نسبت بسته شدن پوهنخی هنرهای زیبا، گالری، نبود نندارتونها و

د پائو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

رکود بازار تابلوهای نقاشی تولید و مشتری ندارد، اگر آثاری خطاطی و نقاشی موجود نیز اند از کشورهی همسایه (خصوصاً ایران) وارد میگردد. تولید فلم وجود ندارد، معماری فقط به قالبهای سمنت و گادر سقوط نموده است، تیاتر و تمثیل؛ خصوصاً آن بخش تیاتر که برای اطفال و نو جوانان جنبه ی تربیتی داشته باشد و تمثیلیکه بر علاوه جنبه ی تفریحی دارای محتوای تاریخی، حماسی، روانی و یا هم آموزشی باشد... از همه بدتر وضعیت موسیقی است.

از بحث تیوریکی و استتیک می گذریم، به چند رویداد تازه و روزمره درمورد وضع موسیقی که در همین روزها شاهد آن بودیم می پردازیم که از روی آن وضعیت سایر هنرها را نیز تصور کرده میتوانیم. این رویدادها عبارت بودند از: یادی از سالگرد وفات کوه موسیقی استاد سرآهنگ و احمد ظاهر، مصاحبه ی پاینده محمد(منگل) با میرمن نذیره، کنسرت مبتذل... بالباس مضحک در یکی از کشورهای خارجی، تاکید یکی از نویسندگان کشور روی تصنیف هنری و ارزشمند. به هریک میپردازیم:

– یاد بود از هنر استاد سرآهنگ و احمدظاهر یک اقدام قابل قدر بود، ولی انقدر که لازم بود، صورت نگرفت. خیلی سرسری و بدون قدردانی لازم. باید نسبت وضع پیش آمده، که ذوق عامه، ارزش هنر، زیبا و زیبا پسندی، ... حتا سلیقه و لباس و حریم شخصی همه در تاریکی و اختناق غرق اند، باید توجه را به هنر و زیبایی شناسی مبذول داشت.

– رویداد جالب دوم، مصاحبه ی پاینده محمد منگل بود که هم به سقوط ذوق عامه و هم به تمسخر وضعیت موسیقی اشاره داشت، یک قسمت از گفته هایش را نقل می کنیم، که با همان طرز مخصوص و ساده ولی عمیق بیان داشت:

“... آلی(حالا) مردم به شعر، موسیقی و زیبایی ومعنی آن دقت نمی کنند، قبل از اینکه آهنگ و نغمه شروع شوه و صدای خنده بلند شوه به شپلاق زدن میپردازند، به کنسرت هنرمندان زن هجوم می برند عوض شنیدن به ... می بینند..)، و کنسرت وموسیقی به نمایش لباس نیمه عریان که قابل شرم است تبدیل شده است...” (شاید کلمات عینا نباشد ولی محتوای مصاحبه شان چنین بود).

شکوه محترم منگل ازین وضعیت کاملاً بجاست.

– رویداد سوم، تدویر کنسرتی در خارج از کشور بود که در آن یک خانم(که گویا هنرمند است) بالباس مفتضح و ارایش مسخره ظاهر گشت و نشر ویدیوی آن باعث تبصره های منفی(ولی معقول) گردید، این خود یک مثالی از عدم رعایت آداب لازم در (نمایش هنر) بود، که حیثیت هنرمند را به زمین زد. درحالیکه هنرمند نباید موجب ابتذال و روگردانی مردم از هنر شود.

– پیوند دادن ایماژهای نامناسب به ویدیو ها، استفاده از هوش مصنوعی د ایجات مناظر، چهره ها و غیره نیز یک ابتذال است. در حالیکه کیفیت (زیبایی مصنوعی) به زیبایی طبیعی نمی رسد.

– مثال دیگر تصنیف و انتخاب شعر برای کمپوز وموسیقی است. معزز پرتو نادری در زمینه حرفهای داشت که محتوای ان چنین بود: ضبط وثبت چیزی بنام(آهنگ) که نه هنریت دارند ونه شعر و تصنیف انها قابل شنیدن است باید مورد تجدید نظر قرار گیرد. جناب نادری توجه شعرا و سرایشگران را عطف نموده اند تا در رفع این بی سلیقی و ابتذال اقدام و تصنیف های مناسب را برای کمپوز انتخاب نمایند. ببینیم این مسخره گی را که یک کره الصوت درمیان صداهای بی نظم وغیرموزیکال، آزار دهند و منزجر کننده وسایل موسیقی (میخوانند)!

بیا که شارنو بریم از طرف شو بریم

تو همراهیم از برای خو بریم...

جناب پ. نادری صاحب چندین مثال داده اند. یقیناً که طی بیست سال گذشته هموطنان ازین قبیل مزخرفات و ابتذال خیلی دیده و شنیده اند.

– مثال جالب دیگر: در یکی از (کنسرتهای!) جوانی بالای سٹیژ نزد(هنرمند) مورد پسندش میرود، میگوید، خداکند کنسرت دیگر تان در وزارت امور زنان درکابل باشد! درینجا از یکطرف موضوع سیاسی میشود و از طرف دیگر

این جوانک فکر کرده وزارتها در کابل برای کنسرتها ساخته شده اند، جالبتر آنکه هنوز سخنان او پایان نیافته که از بالای ستیز به پایین کشانیده میشود.

– رویداد دیگر طرح ایران و ترکیه بخاطر شناسایی مولانا و آثار ایشان بحیث میراث فرهنگی آن کشورها بود که چند هفته قبل خبر آن را شنیدیم. این مثال نیز غفلت و عدم توجه و حتی بیخبری ما از فرهنگ، معنویت و چهره های ادبی و مشاهیر تاریخی ما است.

از باقی مثالهای مایوس کننده صرف نظر، ولی فراموش نه کنیم که تلطیف عواطف، پرورش ذوق زیبایی پسندانه، تنوع فرهنگی، روی برگرداندن افراد مسلح به سمت تعلیم، آموختن حرفه های تولیدی، تشویق جوانان به ایجاد و تخلیق آثار سازنده و متمدن و سایر مسایل مفید اجتماعی میتواند خشونت را زایل و باعث تلطیف عواطف، پرورش روحیه تساند، وحدت و باهمی گردد.

در متن فوق از زیبایی یاد اوری شد. سالها قبل کشور ما دارای مناظر زیبای طبیعی بود، مردم از آن لذت میبردند، شیفته ی زیبایی طبیعت بودند، در عمران، حفظ و بهتر نگه داشتن آنها توجه میکردند، دیوار های اتاقهای شان یک منظره و کلیکن ها درای اقلأ یک گلدان و شهر ها دارای پارک و جاده های پاک بودند، متاسفانه با از بین رفتن احساس زیبایی پسندانه و تسلط خشونت آن احساسات خوب مکرر شد. درینجا باز هم از زیبایی یاد اوری شد، بهتر است طور مختصر چند کلمه درمورد زیبایی بنویسیم:

زیبایی نه تنها یک مفهوم ضد زشت و خشونت است، بلکه جز از ارزشهای مدنی و انسانی است. زیبایی شناسی و زیبایی آفرینی، تخلیق آثار زیبای هنری و ایجاد نشاط مسئله ی روانشناسی معاصر و موضوع مرکزی جامعه شناسی است. فلسفه نیز به زیبایی پرداخته است. جامعه شناسی نوین تکوین احساس و شناخت زیبایی را مربوط به فضیلت، خیر، نظم، نیکی، مهربانی، احساس همدردی و ترحم میدانند، در عرفان اسلامی زیبایی را تا حد دوست داشتن حقیقت و جمال ذات الهی تعریف نموده اند. زیبایی هنری صورت اولیه و اصلی زیبایی را که منشا عاطفی، احساسی و بشری را الگو قرار داده، در انعکاس و تلقین اوصاف پسندیده کمک رسانیده و نمایانگر کمال انسانی است. زیبایی هنری را ترسیم، توصیف و انعکاس زیبایی طبیعی میدانند.

در ارزشهای متعالی جوامع اسلامی آبدات زیبا، طراحی هنرمندانه منارها، محرابهای مساجد و دیوارهای زیارتها، قرائت قران عظیم الشان با لحن، ترنم حمد و ثنا، نعت خوانی با کلام موزون و صدای دلکش، توصیف انوار الهی در نثر و شعر و خلاصه اینکه آنچه در آن طبع جمال موجود باشد، هنر و زیبایی دانسته، آن را قابل ارج میداند. از دید فلاسفه اسلام زیبایی به دو نوع است: زیبایی موضوعی و زیبایی ذاتی. خداوند جهان را زیبا آفرید و برای انسان صفت (انس) را برگزید و برایش کرامت بخشید.

درینجا متوجه میشویم که هنر و انعکاس زیبایی و جمال تماماً زیبایی نیست، بلکه صرف بخش و توصیف بخشی محدود آن است بلکه موضوع بسیار وسیع است که در یک مقله ی مختصر نمی گنجد. کافی است که احساس زیبایی و علاقه به هنر را زنده نگه داریم، ارزش آنرا بدانیم و با آن آشتی و سازگار باشیم، نه دشمن. رشد هنر باعث اعتلا میگردد، اما برچیده شدن هنر، محدودیت هنر، منع ایجادیات زیبای هنری و قیود بر زیبا و احساس زیبایی پسندی باعث تقویت کدورت، خشونت و زشتی و زایل شدن عواطف میگردد. بی ارزش شدن هنر خود باعث ابتذال و از بین رفتن ذوق عامله میگردد. در نتیجه فضیلت، درک جمال، رعایت نظم، احساس خیر و سایر اوصاف نیک اجتماعی و سنجایی عالی تضعیف و جامعه در ورطه ی بحران و سقوط ارزشها غرق خواهد شد.